

به نقل از : پیام فدایی ، ارگان چریکهای فدایی خلق ایران

شماره ۲۰۰ ، بهمن ماه ۱۳۹۴

توضیح پیام فدائی: به مناسبت انتشار دویستمین شماره پیام فدایی ، جا دارد یاد رفیقی را گرامی داریم که از زمان انتشار این نشریه تا زمان جان باختنش ، با نوشته های خود امکان ادامه کاری این نشریه را امکان پذیر می ساخت. وی رفیق جمشید هدایتی (کاک بهرام) و با آن طور که رفقا خطابش می کردند، رفیق "مهندس" می باشد که در فروردین ماه سال ۱۳۶۶ در جریان عملیات مشترک رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی و اتحادیه میهنی گوردستان در شهرک کهریزه در نوار مرزی گوردستان ایران و عراق و بمباران وحشیانه این منطقه جان باخت. به یاد و خاطره فراموش نشدنی این رفیق عزیز در شماره ۲۰۰ مبادرت به درج گوشه ای از زندگی سراسر مبارزاتی اش می نمائیم.

مختصری از زندگی سراسر مبارزه چریک فدائی خلق رفیق شهید جمشید هدایتی (کاک بهرام)

در جریان مبارزه علیه امپریالیسم برای برقراری جمهوری دمکراتیک خلق و نیل به سوسیالیسم، انقلابیون پاکبخته ی بسیاری جان خویش را فدای رهائی خلق های در بند و کارگران ستمدیده می نمایند. چریک فدائی خلق رفیق جمشید هدایتی از زمره این انقلابیون جان بر کف بود، رفیقی آگاه و باتجربه، کادری ورزیده، با اعتقادی عمیق به مارکسیسم - لنینیسم و تنها شکل خلاق انطباق آن در شرایط سلطه امپریالیسم و بورژوازی وابسته به آن در ایران، یعنی تئوری مبارزه مسلحانه.

رفیق جمشید در سال ۱۳۳۳ در شهر سنگسر سمنان به دنیا آمد. پس از اتمام دوره دبیرستان در شهر گنبد، جهت ادامه تحصیل به ایتالیا سفر نمود. تاثیرات زندگی و شهادت پسرعموی انقلابی اش چریک فدائی خلق شاهرخ هدایتی در سال ۵۰ که پس از درگیری با مزدوران شاه دستگیر و در زیر شکنجه های وحشیانه دژخیمان ساواک به شهادت رسیده بود، فضای خانواده را شدیداً سیاسی نموده و رفیق جمشید با تاثیرگیری از زندگی و مبارزه شاهرخ و آشنائی هر چه بیشتر با آرمان ها و اهداف او و تئوری ظفرنمون چریکهای فدائی خلق، با عزمی راسخ در جهت تحقق این تئوری گام برداشت.

با آشکار شدن چهره اپورتونیست های لانه کرده در سازمان فدائی و با اعلام موجودیت چریکهای فدائی خلق به مثابه ادامه دهندگان راه احمدزاده ها و پویان ها، صفاتی ها و هدایتی ها، رفیق جمشید به صفوف چریکها پیوست و در ایتالیا در انجمن دانشجویان هوادار چریکهای فدائی خلق به دفاع از تئوری مبارزه مسلحانه و مقابله با دیدگاه ها و اعمال اپورتونیست های غاصب نام سازمان پرداخت. ایمان عمیق اش به مبارزه مسلحانه به مثابه تنها راه رسیدن به آزادی و شور بی پایانش در بر دوش گرفتن مسئولیت هر چه بیشتری در امر انقلاب و شرکت هر چه فعال تر در مبارزه مسلحانه، او را در ارتباطی نزدیک با چریکهای فدائی خلق قرار داد و در نتیجه در سال ۵۹ برای کسب تجربیات جنبش خلق ستمدیده فلسطین و ارتباط هر چه مستقیم تر با سازمان های سیاسی خلق فلسطین به لبنان سفر نمود و در ارتباط با جبهه خلق برای آزادی فلسطین، پرشور و خستگی ناپذیر به حل مسائل حوزه جدید فعالیت انقلابی اش پرداخت.

در لبنان پس از آموزش های لازم در جبهه مقدم نبرد با اسرائیل قرار گرفت و یک بار دیگر پیوند ناگسستنی خلق های ایران و فلسطین را در عمل به اثبات رساند و یاد صفائی ها، صفاری ها، و سپهری ها را بار دیگر زنده نموده و به افشای چهره جنایتکار و ماهیت وابسته به امپریالیسم رژیم خمینی در میان مبارزین فلسطینی پرداخت.

با حمله اسرائیل به بیروت در سال ۸۲، فعالانه در نبردهای بیروت شرکت نمود و با خروج سازمان های فلسطینی از بیروت به یمن جنوبی رفت و سرانجام با کوله باری از تجربه برای ادامه فعالیت های تشکیلاتی اش به کُردستان که آن زمان سنگر انقلاب ایران نامیده می شد منتقل گردید.

رفیق جمشید که در کُردستان با نام های بهرام و اسماعیل شناخته می شد ، خیلی زود در جمع پیشمرگان سازمان از محبوبیتی ویژه برخوردار گردید و در چند عملیات نظامی از جمله تسخیر پایگاه کاله دره، ربط - در تاریخ یازده آبان ماه سال ۱۳۶۱ - شایستگی و جسارت خود را در صحنه عمل به اثبات رساند.

رفیق جمشید (کاک بهرام) در ادامه فعالیت های مبارزاتی اش به اعتبار آگاهی و مجموعه خصائل انقلابی اش و توانائی ها و روحیه تشکیلاتی اش به عضویت سازمان پذیرفته شد و در نتیجه با پذیرش مسئولیتی هر چه سنگین تر به انجام وظایف انقلابی اش ادامه داد.

رفیق جمشید (کاک اسماعیل) در چهار چوب برنامه های سازمان و به اعتبار مجموعه توانائی هایش در بخش روابط خارجی سازمان قرار گرفته و مدت ها به عنوان مسئول این قسمت با وظایف خطیر خود با جدیت و پشتکاری بی نظیر برخورد نمود و در حالی که به بهترین نحو مسائل این حوزه کار تشکیلاتی اش را پیش می برد، در همان حال در جهت غنای هر چه بیشتر "پیام فدائی" ارگان سازمان نیز می کوشید. به واقع که جمشید کادر ارزنده ای بود که در تمامی حوزه های کار تشکیلاتی به بهترین نحوی وظایف خود را پیش می برد. چریک فدائی خلق رفیق شهید جمشید هدایتی (کاک بهرام) کمونیستی آگاه بود که با تمام وجودش به طبقه کارگر و آرمان های انقلابی این طبقه تا به آخر انقلابی پای بند بوده و با ایمانی عمیق به تئوری انقلابی پرولتاریا همواره بر این امر تاکید می نمود که پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی خلق های ایران بدون رهبری طبقه کارگر امکان ناپذیر است و برقراری رهبری طبقه کارگر بدون تئوری انقلابی اش یعنی تئوری مبارزه مسلحانه، ناممکن می باشد، و همین ایمان اش به کارگران و زحمتکشان و کینه عمیق اش به دشمنان خلق، سرچشمه برخوردهای مردمی اش گردیده بود. برخوردهائی که همه کسانی که در ارتباط با او قرار می گرفتند را مجذوب صفا و صمیمیت و روحیه شاداب و سرزنده او می نمود، روحیه ای که از ایمان خلل ناپذیرش به پیروزی سرچشمه می گرفت.

با رشد روزافزون دسیسه های جمهوری اسلامی در کُردستان عراق، سرانجام در ۲۷ فروردین ماه سال ۶۶ ، رفیق جمشید در جریان خمپاره باران وحشیانه شهرک کهریزه در نوار مرزی کُردستان ایران و عراق طی عملیات مشترک جمهوری اسلامی و اتحادیه میهنی کُردستان عراق موسوم به فتح ۵ به همراه همرزم دیگرش رفیق سلیمان میربلوک (کاک قادر) بر اثر اصابت ترکش خمپاره به شهادت رسید و خاطره ای فراموش نشدنی از خود باقی گذاشت، خاطره ای که الهام بخش یارانش در ادامه راه پر افتخارش می باشد.

واقعیت این است که خون شهدای چریکهای فدائی نهال انقلاب ایران را هر چه بارورتر می سازد. انقلابی که سرانجام سلطه امپریالیسم و سگ های زنجیری اش را از ایران برانداخته و با استقرار جمهوری دمکراتیک خلق راه را برای گذار به سوسیالیسم هموار می سازد.

جاودان باد خاطره چریک فدائی خلق رفیق شهید جمشید هدایتی!